

## متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز ۱- در سوره نمل می فرماید {وورث سلیمان داود} که علامه طباطبایی هم می فرمایند این منظور ارث حکومت است نه مال ونبوت ویا علم ومنظور از ارث هم نقل وانتقال است نه ارث مصطلح که بگوییم قرآن سلطنت موروثی را امضا کرده حالابا توجه به این تفسیر اینکه حضرت زهراء سلام الله علیها به این آیه تمسک می کنند برای اینکه اثبات کنند از پدرشان ارث مالی می برند چه توجیهی دارد؟ ۲-آیت الله جوادی می فرمایند مایک علم دون الحجة داریم که همان شک وظن غیر معتبر است ویک علم متن الحجة داریم که همان یقین وظن معتبر است ویک علم فوق الحجة داریم که علم ملکوتی ائمه است که این علم برای ایشان تکلیف آور نیست ومستند فقهی برای آنها نیست لذا سم خوردن امام که بر اساس علم هم بوده چون علم فوق الحجة بوده تکلیف آور نبوده که بگوییم کار حرام انجام داده باشند نعوذ بالله الا اینکه امام در جایی دستور ویژه از طرف خداوند داشته باشند که به آن علم ملکوتی عمل کنند حالا سوال من این است که وقتی از ائمه در مورد احکام شرعی سوال پرسیده می شود مگر با همان علم ملکوتی جواب نمی دادند پس چرا مستند فقهی است ویا اصلا کل قرآن {انک لتلقى القرآن من لدن حکیم خبیر} است پس چطور خود ایشان وهمه مومنین باید به مطالبی که از علم ملکوتی است وفوق الحجة است عمل کنند واما در مورد دستور ویژه هم خود این دستور هم با علم ملکوتی درک شده در مورد همین چه وجهی هست که می تواند مورد اعتماد باشد. بسیار ممنون از زحمات شما

## متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: ۱- در آیهی مذکور خداوند می فرماید ما مسیر حکومت را بعد از حضرت داود به حضرت سلیمان هدایت کردیم. منظور آیه این است که خداوند مسیر کار را این طور مدیریت کرد نه این که قاعده‌ای در کار باشد که باید پسر بعد از پدر حکومت را به دست گیرد. ولی نه این که پیامبر خدا یعنی حضرت داود ارثی به جا نگذاشته‌اند و حضرت سلیمان از آن ارث بهره‌مند نگشته‌اند. با توجه به این که خلیفه‌ی اول تأکید داشت که پیامبر فرموده‌اند از من ارثی باقی نمی‌ماند و از این طریق می‌خواست فدک را از تملک زهرا ی مرضیه «سلام الله علیها» در آورد حضرت به آیهی فوق استناد می‌کنند با توجه به این که آن‌ها به همان ظاهر آیه متوقف بودند و همین قدر از آیه برداشت می‌کردند که حضرت سلیمان از حضرت داود ارث برده است و این روش عبارت است از جدال اَحْسَن که مبتنی بر فهم طرف مقابل با او بحث کنند وگرنه حضرت به روش‌های دیگر متذکر شده بودند که اساساً فدک قبل

از رحلت رسول خدا «صلوٰة الله عليه وآله» در اختیار حضرت بوده و ارثی نبوده که این بحث‌ها مطرح باشد. ۲- حضرت علامه طباطبایی «رحمة الله عليه» می‌فرمایند برای ائمه «عليهم السلام» یک نوع علم هست که علم به سلسله علل است تا امامان از امور عالم آگاه باشند و مطابق آن امامت کنند و این علم برای آن‌ها تکلیف‌آور نیست که بخواهند از شمشیر ابن ملجم خود را رها کنند و این غیر از آن علم ملکوتی است که مطابق آن تکلیف مردم را روشن می‌کنند و با علم به حقیقت شریعت مردم را راهنمایی می‌نمایند. موفق باشید